

بصیرت دینی در اندیشه مقام معظم رهبری

نویسنده: مهدی محمدطاهری^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۴/۲۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۹۱

چکیده

بصیرت؛ بینایی، هوشیاری و یقین است و بصیرت دینی؛ هوشیاری و یقین همراه با باور و پذیرش قلبی. حرکت در صراط مستقیم و رسیدن به حقیقت، تنها با بصیرت، ممکن و شدنی است؛ چرا که آدمی در غبار مادی‌گرایی و فضای سرشار از وسوسه و درآمیختگی حق و باطل، با بصیرت می‌تواند جاده سعادت را شناخته، قدم در آن نهد و از این روست که در آموزه‌های دینی و شرع مقدس، همواره بر بصیرت، تأکید و عاملی برای رسیدن به کمال تلقی شده است.

اگر انسان بتواند روح خود را پرورش دهد، در آن صورت، برخی از حسها، چنان بصیرت و فهمی به آدمی می‌دهد که در پرتو آن می‌توان به بسیاری از حقایق دست یافت. آدمی با تطهیر و پاکی نفس و زدودن غبار و موانعی که جلوی راه عقل انسانی را سد می‌کنند، می‌تواند حق و باطل و پاکی و ناپاکی را تشخیص دهد. این در صورتی است که انسان به بصیرت دینی یا همان دانایی همراه با باور قلبی و ایمان دست یافته باشد. از این رو، بصیرت دینی را می‌توان از جمله موارد تقوا دانست که ناظر به حکمت عملی و عقلی است و مرتبط با حکمت نظری نیست. تقوا با مهار ناپاکی، زمینه را برای نورافشانی عقل و بصیرت هموار می‌کند. از این رو، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی و از جمله کارشناسان حوزه دین، بصیرت را سبب شناخت راه حق از باطل دانسته، آن را عاملی برای عدم انحراف از جاده حقیقت قلمداد می‌کنند.

واژگان کلیدی:

رهبری، بصیرت، معرفت‌شناسی دینی، فتنه، بصیرت دینی.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.



مقدمه

با بررسی اجمالی حوادث و مشاهدۀ فراز و فرودهای تاریخ اسلام، آنچه پیش از هر عاملی در رسیدن یا نرسیدن به پیروزی و موفقیت تأثیر داشته، میزان بهره‌مندی و برخورداری مردم از بصیرت بوده است. برخورداری مردم از بصیرت، نه تنها از بعد فردی مهم است، بلکه از بعد اجتماعی و زندگی جمعی نیز بسیار ضروری است. از این رو، کارشناسان مسائل دینی همواره بر بهره‌گیری مردم از بصیرت، تأکید و آن را لازمهٔ صراط مستقیم می‌دانند.

شکل‌گیری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، حاصل بصیرت و درک همراه با ایمان قلبی مردم ایران بود و تداوم آن نیز در گرو بصیرت اکثریت قاطع ملت مؤمن و بصیر ایران اسلامی است. از شروع انقلاب تا امروز، نظام اسلامی با فتنه‌های مختلفی روبه‌رو بوده، که با توکل به خداوند و بصیرت مردم توانسته است از آنها گذر و به سر منزل مقصود طی مسیر کند. بروز چنین فتنه‌های موجب شد بنیانگذار جمهوری اسلامی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر بصیرت، تأکید و همگان را به افزایش آن رهنمون کنند.

در کوران حوادث سال‌های گذشته، مقام معظم رهبری با تأکید فراوان بر افزایش بصیرت، نظام اسلامی را از چهارراه فتنه که از سوی عوامل خارجی و بیرونی به راه افتاده بود، نجات دادند تا روشن شود در اوج فتنه، تنها بصیرت است که می‌تواند آدمی را از لغزیدن در انحراف نجات دهد.

در این مقاله و در راستای تبیین مفهومی بصیرت و بصیرت دینی، ابتدا به مفهوم‌شناسی بصیرت دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته، در ادامه به بررسی تعریف دین به عنوان جزء دوم مفهوم بصیرت دینی اشاره می‌شود و در انتها نیز محتوای اصلی مقاله که شامل راههای کسب بصیرت، موانع تحصیل آن و کارکردها و نتایج است، بیان می‌شود.

مفهوم‌شناسی بصیرت دینی در کلام مقام معظم رهبری

۱. بصیرت

«بصیرت» در لغت به معنای عبرت، ثبات در دین، حجت و استبصار در چیزی و همچنین به معنای دانایی، بینایی، بینایی دل، هوشیاری، زیرکی و یقین است. (معین، ۱۳۷۴، ص ۵۴۶)

بصیرت از مادهٔ «بصر» است و بصر به معنی بینایی، دیدن، مشاهدهٔ حسی اشیا



و نظر کردن آمده است و بصیرت به معنی عقیده قلبی، معرفت قلبی، هوشمندی، آگاهی و مانند آن است.

مقام معظم رهبری در تعریف بصیرت می‌فرمایند: «بصیرت؛ یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف». (برگرفته از سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹)

مقام عظمای ولایت همچنین بصیرت را به نورافکن، قبله‌نما و قطب‌نما تشبیه و در این باره می‌فرمایند: «بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان، انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد، لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعبهای زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ به خصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌سازوبرگ در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما برنمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۴). «اگر همه تعاریفی که در خصوص بصیرت آورده شده را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت: بصیرت یعنی وجود چشمان تیزبینی در انسان که بتواند پشت صحنه مسائل پیچیده سیاسی را به خوبی تشخیص دهد». (همان، ۱۳۸۸/۰۵/۵)

می‌توان گفت بصیرت عاملی است که می‌تواند انسان را از انحراف و لغزیدن در چالشها و موانع بر حذر دارد.

۲. اصطلاحات و عبارات مترادف با بصیرت

در قرآن و روایات اسلامی واژه‌هایی وجود دارند که هم‌معنا و مترادف با بصیرتند؛ از جمله:

نور: همتای دیگر واژه بصیرت، کلمه نور است که خداوند در قرآن از این لغت برای نشان دادن بصیرت استفاده فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از زحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به برکت آن راه سپرید» (حدید، آیه ۸۲). صاحب جامع‌الاسرار در همین باره می‌نویسد: «معنای سخن خداوند «نورٌ عَلٰی نُوْرٍ یَّهْدِی اللّٰهُ لِنُوْرِهِ مَن یَّشَاءُ» (نور، آیه ۳۵) «وَمَنْ لَّمْ یَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ» (نور، آیه ۴۰) چیزی جز این نیست که تا نور حق حاصل نیاید و به دل و جان سالک نتابد،



بصیرت در او پدید نیاید. نور حق، سرمه چشم بصیرت است و تمام تلاش اهل مجاهده برای آن است که مورد عنایت حق قرار گیرند و نور حق بر دل و بر جانشان پرتوافکن گردد». (سید حیدر آملی، ۱۳۴۷، ص ۵۱۰)

فرقان: یکی از واژه‌های بسیار نزدیک به بصیرت که در قرآن آمده، واژه فرقان است؛ یعنی نیروی جداکننده حق از باطل.

همچنین در بسیاری از احادیث و روایات رسیده از معصومین (ع)، واژه‌ها و عبارات دیگری چون: یقظه (بیداری)، عقل، معرفت، علم و حکمت نیز در معنای بصیرت به کار رفته‌اند.

۳. دین

واژه «دین» در لغت به معنای طاعت و انقیاد و خضوع در مقابل فرمانها و مقرراتی معین و نیز به معنای جزا و پاداش است. در اصطلاح قرآنی مقصود از «دین»، مجموع یک مکتب اعم از عقاید و اخلاق و احکام است.

بنابر این، می‌توان دین را مجموعه‌ای از باورها، ارزشها، اعمال، نهادها و... دانست که نوع نگاه آن دین را به جهان هستی (هستی‌شناسی) و روشهای کسب شناخت (روش‌شناسی و شناخت‌شناسی یا معرفت‌شناسی) آن روشن می‌کنند.

شهید بهشتی در تعریف دین می‌نویسد: «در میان پدیده‌های بی‌شماری که در جامعه‌های انسانی به چشم می‌خورد، پدیده‌ای وجود دارد که آن را مذهب (دین) می‌نامیم و این پدیده را از سایر پدیده‌های اجتماعی مشخص می‌شماریم. تعریف ساده و مختصر از مذهب (دین) می‌تواند چنین باشد: هر نوع ایمان و اعتقاد به غیر از ماده- به هر صورتی که تصوّر شود و در هر مرحله‌ای که باشد- بدیهی است این‌گونه ایمان و عقیده، یک رشته تعالیم و آداب و سنن مشخصی را هم به دنبال خود می‌آورد که آن را تعالیم و آداب و سنن مذهبی (دینی) می‌نامیم». (بهشتی، بی‌تا، ص ۶۱)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دین را به معنای پایبندی به احکام و قبول آنها و اذعان و تسلیم، تفسیر و در تعریف دین اسلام می‌فرماید: «دین به معنای تدبّین؛ یعنی پایبندی به احکام اسلامی، قبول، اذعان و تسلیم. روایت هم دارد، قرآن هم همین است: «ان الدین عندالله الاسلام». اسلام یعنی چه؟ «من اسلم وجهه لله» یعنی چه؟ یعنی صورتت را تسلیم خدا کن. این، دین است. مظهرش در مورد احکام شرعی، همین است». (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۰۵/۲۳)



۴. بصیرت دینی

بصیرت دینی نوع خاصی از آگاهی و شناخت است که صرفاً معرفت و شناخت نظری و فکری نیست، بلکه نوعی معرفت قلبی و شناخت درونی است که از دو راه عبادت و تقوا حاصل می‌شود.

راههای کسب بصیرت دینی

از نظر مقام عظمای ولایت، بصیرت عامل شناخت حق از باطل است. لذا برای کسب و تحصیل بصیرت، آدمی بایستی شرایط و صفات ویژه‌ای را دارا باشد تا بتواند به بصیرت واقعی دست یافته، در شرایط غبارآلود، حقیقت را دریابد.

۱. نگاه توحیدی به جهان طبیعت

ولی امر مسلمین در تبیین نگاه توحیدی به جهان طبیعت، پذیرش هدفدار بودن و نظام‌مندی جهان را آغازی برای ورود آدمی در عرصهٔ دستیابی به حقیقت قلمداد نموده، می‌فرمایند: «انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می‌کند. ... با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعهٔ نظام‌مند است... ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی‌مان هدفدار است؛ بی‌هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمهٔ نگاه توحیدی است. ... وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم، آنگاه در جستجوی آن هدف برمی‌آییم... در این صورت همهٔ زندگی می‌شود تلاش؛ آن هم تلاش جهت‌دار و هدفدار» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۴)

۲. پرهیز از معرفت مادی

مقام معظم رهبری نگاه مادی به جهان را سبب از بین رفتن روح امید و تلاش در زندگی آدمی برمی‌شمارند و آن را زمینه‌ساز تباهی انسان تلقی می‌کنند: «نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف می‌داند؛ اصلاً نمی‌داند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدفهایی تعریف می‌کند- به پول برسد، به عشق برسد، به مقام برسد، به لذت‌های جسمی برسد، به لذت‌های علمی برسد؛ از این هدفها می‌تواند برای خودش تعریف کند- اما اینها هیچ کدام هدفهای طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات هم بی‌معنی می‌شود، عدالت هم بی‌معنی می‌شود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری



معنا پیدا نمی‌کند. اگر انسان در راه رسیدن به سود شخصی پایش به سنگ خورد و آسیب دید، ضرر کرده، خسارت کرده. اگر به سود نرسید، اگر نتوانست تلاش کند، نوبت به یأس و ناامیدی و خودکشی و به کارهای غیر معقول دست زدن می‌رسد. پس ببینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این، اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت است» (همان)

۳. تقوا

یکی از مهم‌ترین مسائلی که سبب کسب بصیرت می‌شود، داشتن تقوا و ایمان به خداوند است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اگر تقوا بورزید خداوند قوهٔ تشخیص و جداسازی حق از باطل به شما عنایت می‌کند» (انفال، آیه ۲۹)

استاد مطهری با استخراج و استعمال آیات متعدد قرآنی که در آن بر بصیرت یا اصطلاحات و واژگان مترادف با بصیرت و روشن‌بینی تأکید شده است، به تبیین مسائل بصیرت در قرآن اشاره کرده، در این زمینه بیان می‌کند: «در قرآن دو اثر مهم برای تقوا ذکر شده است؛ یکی از آن دو اثر، روشن‌بینی و بصیرت است که در آیهٔ ۲۹ انفال می‌فرماید: اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند برای شما مایهٔ تمیز و تشخیص می‌دهد و نیز می‌فرماید: تقوای الهی داشته باشید و خداوند به شما می‌آموزد و تعلیم می‌کند. می‌گویند ذکر این دو جمله پشت سر یکدیگر اشعاری دارد که در تقوا تأثیر دارد؛ در اینکه انسان مورد موهبت افاضهٔ تعلیم الهی قرار گیرد» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷)

مقام معظم رهبری تقوا را پرهیز از گناه و دل سپردن به صراط مستقیم، تفسیر می‌فرمایند: «تقوا، عبارت از اجتناب و پرهیز از خطا و گناه و اشتباه و آلودگی و ناپاکی و انحراف از راه و پیروی از هوسها و دل سپردن به خط مستقیم تکلیف و وظیفه. در میدانهای مختلف، همه باید باتقوا باشند، تا موفق بشوند. تقوا، شرط توفیق در هر راهی است؛ مخصوص دین هم نیست؛ منتها تقوای دینی، روشن و واضح و شیرین و خوش‌عاقبت است» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

۴. یاد خدای متعال

رهبر معظم انقلاب در توضیح افزایش بصیرت، در یاد خدای متعالی می‌فرمایند: «خستگی انسان با یاد خدای متعال و با یاد هدف برطرف می‌شود. این، پایهٔ اساسی معرفت است؛ پایهٔ اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را



باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه همه تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه است» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۴)

۵. توبه

در احادیث و روایات اسلامی همواره بر توبه تأکید شده است. توبه، آدمی را پاک و باطن درونی انسان را مهیای کسب بصیرت می‌کند. مقام معظم رهبری توبه را بازگشت به سوی خداوند و قدم گذاردن آدمی در راه کمال و سعادت اخروی می‌داند و می‌فرماید: «توبه هم یعنی بازگشت به سوی خدا. بنابر این، یکی از ارکان توبه، استغفار است؛ یعنی طلب آموزش از خدای متعال. این، یکی از نعمتهای بزرگ الهی است؛ یعنی خداوند متعال، باب توبه را به روی بندگان باز کرده است تا آنها بتوانند در راه کمال پیش بروند و گناه، زمین‌گیرشان نکند؛ چون گناه، انسان را از اوج اعتلای انسانی ساقط می‌کند. هر کدام از گناهان، ضربه‌ای به روح انسان، صفای انسانی، معنویت و اعتزاز روحی وارد می‌آورند و شفافیت روح انسان را از بین می‌برند و آن را کدر می‌کنند. گناه، آن جنبه معنویتی را که در انسان است و مایه تمایز انسان با بقیه موجودات این عالم ماده است، از شفافیت می‌اندازد و او را به حیوانات و جمادات نزدیک می‌کند» (همان، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸)

۶. ذکر خداوند بلندمرتبه

ذکر خدا بارزترین ویژگی و خصیصه انسان مؤمن است. انسان مؤمن در همه احوال به یاد خداست و همین ذکر، به او بصیرتی عطا می‌کند که قدرت تشخیص حق از باطل را در شرایط غبارآلودگی فتنه داشته باشد. مقام عظمای ولایت در این باره می‌فرماید: «خدا را ذکر کثیر کنید. ذکر؛ یعنی یاد. ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی آدم است» (همان، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱)

۷. تبعیت از پیامبر اسلام (ص)

پیامبر اعظم (ص) در حرکت و تبلیغ دین مبین اسلام همواره بصیرت را سرلوحه اقدامات خویش قرار می‌داده‌اند. ولی امر مسلمین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این گفته می‌فرماید: «خود پیغمبر با بصیرت حرکت می‌کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت» (همان، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵)



بنابر این، الگو قرار دادن حضرت محمد(ص) می‌تواند سبب افزایش بصیرت و گام نهادن در راه اسلام ناب محمدی(ص) باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم. این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیئت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معامله‌اش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضعفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست. جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است که خود را بر رفتار پیامبر(ص) منطبق کند. اگر به طور صددرصد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست - که نیست - لاقلاً شباهت به آن بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبی اکرم بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت بکنیم».(همان، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

۸. شناخت ولی امر زمان

شناخت ولی امر زمان در اسلام از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است؛ به طوری که حضرت محمد(ص) در این باره فرموده‌اند: «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، همانند کسی است که به مرگ جاهلیت قبل از اسلام مرده است».(امینی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۰)

امام علی(ع) نیز در این زمینه می‌فرماید: «هیچ کس از شیعیان به بصیرت نمی‌رسد مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند. پس هنگامی که مرا به این مقام شناختند، به طور تمام و کمال بصیرت یافته‌اند».(مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷)

عمار یاسر از جمله انسانهای بصیری است که در حقانیت ولی امر زمان به مجاهده برخاست و در این راه به شهادت رسید. به راستی او را بایست اسوه و شهید راه ولایت دانست. شهید مطهری با معرفی عمار به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصادیق و الگوهای بصیرت کامل، معتقد بود که عمار در برخورد با دشمنان از هیچ کسی و هیچ چیزی ترس و واهمه نداشت: «البته در این میان، مردمی هم بودند با بصیرت کامل؛ در رأس آنها عمار یاسر بود. عمار می‌جنگید و می‌گفت دیروز به تنزیل قرآن جنگیدیم و امروز بر تأویل قرآن می‌جنگیم. وقتی که پرچم معاویه با شعارهای ظاهری قرآن نمایان شد، عمار گفت: شهادت می‌دهم که میان این پرچمها و پرچمهایی که در بدر و احد با آن جنگیدیم، هیچ تفاوتی نیست. این مرد وزنه‌ای بود در سپاه امیرالمؤمنین».(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۵، ص ۱۹۷)



رهبر معظم انقلاب نیز ضمن توصیف شخصیت بصیر عمار، عنوان می‌دارند که در شرایط فتنه، گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است: «در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم مشغول سخنرانی است... چون آنجا واقعاً فتنه بود؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ ... از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبدالله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: یا امیرالمؤمنین! - یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است- انا قد شککنا فی هذا القتال؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضری است که یُحلب؛ همان ظهری است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند». (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۲)

اینجاست که رابطه ناگسستگی میان شناخت ولیّ زمان و بصیرت دینی آشکار می‌شود؛ زیرا پذیرش ولایت اولیای خاص الهی (پیامبر(ص) و ائمه(ع)) و ولایت وارثان بر حق آنان (ولایت فقیه، «ولایت فقیه که دنباله ولایت معصومین و ادامه اوست» همان)، برابر است با پذیرش ولایت خدا، ایمان به توحید و گردن نهادن به معتقدات دینی و در نتیجه، درآمدن در زمره مسلمانان و ورود در مسیر صراط مستقیم هدایت و رستگاری.

بدین ترتیب، با توضیح و تفصیل تعدادی از مهم‌ترین راههای کسب بصیرت، در ادامه سعی بر آن است موانع کسب بصیرت دینی مورد بررسی قرار گیرند.

موانع کسب بصیرت دینی

از منظر مقام معظم رهبری، برخی از امور و جریانها مانع از بصیرت انسان برای درک و شناخت راه حق و حقیقت می‌شود. از جمله مواردی که سبب عدم کسب بصیرت دینی برای آدمیان می‌شود، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱. مادی‌گرایی

مقام عظمای ولایت، مادی‌گرایی و محاسبات نفسانی را از جمله آفات و موانع کسب بصیرت قلمداد کرده، دلیل آن را غفلت از ذکر خداوند می‌دانند: «بصیرت، شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. ... بعضی‌ها حقایقی را می‌دانند، اما برای اقدام تصمیم نمی‌گیرند؛ برای اظهار تصمیم نمی‌گیرند؛ برای ایستادن



در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی‌گیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم عللی دارد؛ گاهی عافیت‌طلبی است، گاهی تنزه‌طلبی است، گاهی هوای نفس است، گاهی شهوات است، گاهی ملاحظه‌منافع شخصی خود است، گاهی لجاجت است... افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم می‌دانند؛ در عین حال کمک می‌کنند به جهت‌گیری‌های مخالف، جهت‌گیری‌های دشمن... این به خاطر همین عوامل است؛ هواهای نفسانی، شهوات نفسانی، غرق شدن در مطالبات مادی. عامل اصلی اینها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ اینها موجب می‌شود که به کلی ۱۸۰ درجه جهت‌گیری‌شان عوض شود» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۴).

۲. چشم بستن بر حقیقت

در طول تاریخ همواره اشخاص و گروه‌های گمراهی بوده‌اند که با چشم بستن بر حقایق، سبب آسیب دیدن اسلام و مبانی ارزشی مسلمین شده‌اند. به وفور می‌توان نمونه‌هایی را در این زمینه بیان کرد. مقام معظم رهبری با تشریح تاریخ جنگ صفین، چشم‌پوشی مسلمانان بر حقانیت را از جمله دلایل بی‌بصیرتی آنان دانسته، می‌فرماید: «در جنگ صفین لشکر معاویه نزدیک به شکست خوردن شد؛ حيله‌ای که برای نجات خودشان اندیشیدند، این بود که قرآن‌ها را بر روی نیزه‌ها کنند... با این معنا که قرآن بین ما و شما حکم باشد... از میان لشکر امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند اینکه حرف خوبی است؛ ... اینجا فریب خوردن است؛... آنها اگر می‌خواستند حقیقت را بفهمند، حقیقت جلوی چشمشان بود. ... امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب غیر از اینکه از نظر ما، از طرف پیغمبر منصوص و منصوب بود، اما آن کسانی هم که این را قبول نداشتند، این مسئله را قبول داشتند که آن روز بعد از خلیفه سوم، همه مردم با او بیعت کردند... این را باید می‌دیدند، باید می‌فهمیدند. این مطلب مشکلی بود؟ این معضلی بود که نشود فهمید؟ کوتاهی کردند. این می‌شود بی‌بصیرتی» (همان).

۳. غفلت

غفلت از جمله موانع کسب بصیرت است. در طول تاریخ، دشمنان ملت مسلمان ایران، همواره از غفلت آنان استفاده کرده و به مقاصد نامشروع خود نایل آمده‌اند که از آن جمله می‌توان به قضیه مشروطیت و اعدام شیخ فضل‌الله اشاره کرد. مقام عظمای ولایت با تأکید بر شناخت دشمن، به تبیین چگونگی رخنه غرب



در مشروطه پرداخته، می‌فرمایند: «باید دشمنی‌ها را شناخت... اینکه بنده مسئله بصیرت را برای خواص تکرار می‌کنم، به خاطر این است. گاهی اوقات غفلت می‌شود از دشمنی‌هایی که با اساس دارد می‌شود؛ اینها را حمل می‌کنند به مسائل جزئی. ما در صدر مشروطه هم متأسفانه همین معنا را داشتیم. ... مثل مرحوم شیخ فضل‌الله نوری - جلوی چشم آنها به دار زده شد و اینها حساسیتی پیدا نکردند؛ بعد خود آنهايي هم که به این حساسیت اهمیت و بها نداده بودند، بعد از شیخ فضل‌الله مورد تعرّض و تطاول و تهنّک آنها قرار گرفتند و سیلی آنها را خوردند؛ بعضی جانشان را از دست دادند، بعضی آبرویشان را از دست دادند. این اشتباهی است که آنجا انجام گرفت؛ این اشتباه را ما نباید انجام بدهیم.» (همان، ۱۳۸۸/۱۲/۶)

۴. عدم تدبیر

تدبّر و تعقل در امور از جمله اصول معرفتی و تفکّری مسلمانهاست. حضرت علی (ع) در اهمیت تعقل می‌فرماید: «عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد» (نهج‌البلاغه). بنابر این، انسانی که تدبّر را به کناری نهاده و دچار دامها و هواهای نفسانی شده است، به دور از تعقل در مورد جریانها تصمیم‌گیری و پیش‌داوری می‌کند. مقام معظم رهبری حوادث پس از انتخابات را نمونه‌ای از اقداماتی دانستند که به علت بی‌بصیرتی ناشی از عدم تدبّر به وجود آمد: «در همین قضایای فتنه اخیر (۱۳۸۸)، یک عده‌ای اشتباه کردند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی بود. ... پس ببینید مطالبه بصیرت، مطالبه یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دامهای گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفسها و پیش‌داوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبّر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه بصیرت، مطالبه همین تدبّر است؛ مطالبه همین نگاه کردن است؛ مطالبه چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب می‌شود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه می‌توانند بصیرت پیدا کنند.» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۴)

۵. حبّ دنیا

حبّ دنیا از مهم‌ترین موانع کسب بصیرت است. دنیاپرستی و جاه‌طلبی‌ها، نور بصیرت را از وجود آدمی زایل گردانیده و برعکس، گرایز نازل را در وجود او می‌پروراند.

امیرالمؤمنین (ع) در بیانی شیوا در این خصوص می‌فرماید: «به درستی که دنیا



خانه محنتهاست و جایگاه فتنه‌هاست. کسی که طلب کند آن را، هلاکش کند و کسی که به دنبالش نباشد، با او به نیکویی همراهی کند و هر که نظر کند به سوی او، کور گرداند او را» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۳۷)

ولّی امر مسلمین ضمن برشمردن ویژگی‌های دنیای مذموم، عاقبت دل بستن به آن را تجاوز به حقوق دیگران، تحلیل کرده، می‌فرمایند: «دنیای مذموم آن است که انسان این متاعی را که خدای متعال برای افراد بشر قرار داده است، برای خود بخواد، سهم خود را افزون‌تر از دیگران بخواد، به سهم دیگران دست‌اندازی کند، دلبستگی پیدا کند که این دلبستگی به مقتضای حبّ الشیء یعمی و یصمّ، انسان را کر و کور می‌کند، تا آنجا که در راه به دست آوردن چیزی که عاشق و دلبسته آن است، هیچ خط قرمزی و هیچ حد و حدودی را رعایت نمی‌کند؛ این می‌شود دنیای مذموم. دل بستن به دنیا، سهم‌خواهی بیش از اندازه خود، بیش از حق خود، دست‌اندازی به سهم دیگران، تجاوز به حقوق دیگران؛ این می‌شود آن دنیای مذموم. مال، دنیاست؛ مقام، دنیاست؛ قدرت، دنیاست؛ محبوبیت، دنیاست؛ نعم دنیا، لذات طبیعی، اینها همه دنیاست. (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۳۰)

۶. فرو رفتن در شهوات و لذایذ

فرو رفتن در شهوات و لذایذ، نوع دیگری از غریزه دنیاپرستی و حبّ به دنیاست. شهوات و غرایز، بُعد حیوانی وجود آدمی است. این بُعد از وجود و هستی اگر چه برای ادامه حیات، لازم و ضروری است و خداوند حکیم نیز با چنین هدفی آن را در وجود آدمی نهاده؛ اما غرق شدن و فرورفتن در آن، انسان را به پست‌تر از حیوان تبدیل می‌کند.

لذت‌پرستی و شهوترانی، وجود آدمی را تاریک و چشم دل او را که همان چشم بصیرت است، کور و تباه می‌کند. مولا علی (ع) در این خصوص می‌فرمایند: «هر گاه چشم ظاهری شهوت را ببیند، چشم دل انسان نسبت به عاقبت کار کور شود». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۵)

مقام معظم رهبری نیز بر پرهیز از شهوت‌پرستی، تأکید و غوطه‌ور شدن در آن را جهنم آدمی قلمداد می‌کنند: «خاصیت شهوات این است که در بدو امر، شهوت است؛ اما در استمرار و در ادامه، جهنم است! وقتی شهوات بر زندگی یک فرد یا ملتی حاکم شد، تبدیل به دوزخ می‌شود. این، خاصیت شهوات بشری است. ممکن نیست کسی را ببینید که مدت مدیدی را در شهوات خوش بگذراند. چنین کسی را



خدا نیافریده است. اگر بروید نگاه کنید؛ ببینید و تحقیق کنید، به این معنا خواهید رسید. این یک امر مسلم و واضح است. ادامه بقا در شهوات، برای انسان، جهنم است.» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۰/۲)

۷. فراموشی جهاد با نفس

فراموش کردن جهاد اکبر از آثار فراموشی یاد خداست. آدمی با غفلت از ذکر پروردگار به حبّ دنیا گرفتار شده، در تاریکی قدم می‌گذارد و این مسئله از جمله علل ناتوانی در کسب بصیرت است. مقام معظم رهبری سه عامل بصیرت، اخلاص و عمل به هنگام را تأمین‌کننده جهاد با نفس می‌دانند و می‌فرمایند: «بصیرت، عنصر اول است؛ بصیرت را نباید فراموش کرد ... عنصر دوم، اخلاص است. ... عنصر سوم، عمل به هنگام و به اندازه است.» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۲)

کارکردها و آثار بصیرت دینی

۱. مبارزه با جنگ نرم دشمن

پایان جنگ تحمیلی آغازی بود بر یورش فرهنگی دشمن به اعتقادات مردم ایران. این حمله که از آن به عنوان تهاجم فرهنگی نام برده می‌شود، بعدها ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت و تبدیل به جنگ نرم شد. بیشترین تأثیر جنگ نرم دشمن را می‌توان در حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ مشاهده کرد.

مقام معظم رهبری بارها بر چنین نبردی تأکید و دستگاه‌های مختلف را نسبت به چنین یورشی رهنمون فرموده بودند؛ از جمله: «امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمی‌گوییم به کلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست. ... در جنگ نظامی، دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند.» (همان، ۱۳۸۸/۷/۲)

ایشان خطوط اصلی جنگ نرم دشمن را در هفت محور، چنین طبقه‌بندی فرموده‌اند:

الف) مخدوش کردن نشانه‌های امید: «یکی این است که نشانه‌های امید



را مخدوش کنند؛ مورد خدشه قرار بدهند، که از جمله همین انتخابات (۱۳۸۸) بود». (همان)

ب) ایجاد تفرقه: «یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است». (همان)

ج) منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن: «مسئله بعدی - این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه‌گذاری می‌کند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است». (همان)

د) غبار پراکنی در فضای سیاسی کشور: «امروز کار عمده دشمن در جنگ نرم، غبار پراکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهم‌ترین کار دشمن این است». (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۴)

ه) جلوگیری از الگوشدن ایران: «بخش مهمی از تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به همین جهت است؛ ناظر به این است که الگوسازی نشود؛ در چشم ملت‌های مسلمان، جمهوری اسلامی به صورت یک الگوی موفق در نیاید». (همان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹)

و) دگرگون جلوه دادن واقعیتها: «امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن... این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد». (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۲)

بنابر این، محرز می‌شود که دشمن با ایجاد جنگ نرم و فتنه در پی آن است که ایران اسلامی را با چالش روبه‌رو کرده، سپس با طرحی از پیش طراحی شده، ضربه خود را بر پیکر نظام مقدس جمهوری اسلامی وارد کند.

مقام معظم رهبری، بصیرت را شرط مبارزه و مقابله با جنگ نرم دشمن دانسته، می‌فرمایند: «باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریان‌ات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود». (همان، ۱۳۸۸/۰۷/۲)

۲. شناخت و دفع فتنه

فتنه از جمله آسیب‌های اجتماعی است که می‌تواند جوامع را به ورطه نابودی بکشاند. در فضای غبارآلود فتنه، تشخیص سره از ناسره، حقیقت از باطل و دوست از دشمن، برای قاطبه مردم سخت می‌شود. قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره انفال در بیانی شیوا، خطرات فتنه را چنین بیان فرموده است: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ



ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ «بترسید از آن فتنه‌ای که اگر به وجود آید، تنها مختص ستمکاران شما نیست (خوب و بد را با هم در بر می‌گیرد) و بدانید که عذاب خدا بسیار سخت است.

امام علی (ع) در بخشی از خطبه ۹۳ نهج البلاغه، به ویژگی‌های فتنه اشاره کرده، می‌فرماید: «هنگامی که فتنه‌ها روی می‌آورد، به شکل حق خودنمایی می‌کند و هنگامی که پشت می‌کند (مردم را از ماهیت خود) آگاه می‌سازد. در حال روی آوردن، ناشناخته است و به هنگام پشت کردن، شناخته می‌شود؛ مانند گردبادها به بعضی از شهرها اصابت می‌کند و از بعضی می‌گذرد».

مقام معظم رهبری، فتنه را در آمیختگی دوست و دشمن تعبیر فرموده، راه مبارزه با آن را در روشنگری می‌دانند: «فتنه؛ یعنی حادثه غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میدان شده و از کجا تحریک می‌شود. فتنه‌ها را باید با روشنگری خاموش کرد. هر جا روشنگری باشد، فتنه‌انگیز دستش کوتاه می‌شود. هر جا حرف بی‌هدف، کار بی‌هدف، تیراندازی بی‌هدف، تهمت زدن بی‌هدف وجود داشته باشد، فتنه‌انگیز خوشحال می‌شود» (همان، ۱۳۸۸/۰۵/۸).

مقام عظمای ولایت با اشاره به این موضوع که خواست دشمنان در ایجاد شرایط فتنه‌گون، غبارآلود کردن فضا برای عدم تشخیص راه صحیح است، می‌فرماید: «فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند» (همان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹).

ایشان سخت‌ترین کار را در فضای غبارآلود فتنه، تشخیص حق بیان می‌دارند و با تأکید بر این مسئله که خداوند همواره حجت را بر بندگان تمام می‌کند، می‌فرماید: «در شرایط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ هیچ وقت نمی‌گذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن، مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد» (همان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹).

بصیرت دینی یکی از مهم‌ترین راههای دفع فتنه است. با چشم بصیر است که می‌توان حقیقت را از باطل و سره را از ناسره تشخیص داد. مقام معظم رهبری در رابطه با افزایش بصیرت در دفع فتنه می‌فرماید: «بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید، من مکرر این جمله امیرالمؤمنین (ع) را به نظرم در



جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: و لایحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر. می‌دانید سختی پرچم امیرالمؤمنین(ع) از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر(ص) دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین(ع)، دشمن و دوست آن چنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهایی را می‌زد که دوست می‌زد؛ همان نماز جماعت را در اردوگاه طرف مقابل هم می‌خواندند. حال شما باشید چکار می‌کنید...» (همان، ۱۳۸۹/۰۶/۱۵)

ایشان ضمن تأکید بر شکست دشمن در برابر ملتهای بصیر، بصیرت را به قطب‌نما تشبیه کرده، می‌فرمایند: «یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغهای دشمن در مقابل آنها کند می‌شود ... شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما، همان بصیرت است.» (همان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۵)

ولّی امر مسلمین، بصیرت مردم ایران را عامل ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف پلید خود از فتنه سال ۱۳۸۸ برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، ۴۰ میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع؛ یک رفراندوم ۴۰ میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه، اثر آن را از بین ببرند. اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که می‌تواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.» (همان، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷)

۳. بصیرت دینی؛ شرط امر به معروف و نهی از منکر

فریضة امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین وظایف دینی مسلمانان و جزء فروع دین است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، آیه ۷۱)؛ مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو، امر و از کار زشت، نهی می‌کنند.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله روشهای اصلی تربیت اسلامی است. قرآن کریم در باب بعد تربیتی این فریضة الهی می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، آیه ۱۰۴)؛



و باید از شما مسلمانان، برخی (که دانا و باتقواترند) خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری، امر و از بدکاری، نهی کنند.

باید توجه داشت تربیت دینی صحیح، زمینه کسب بصیرت دینی را فراهم می‌آورد. هر چه تربیت دینی مسلمانان افزایش یابد، جامعه از بصیرت دینی بالاتری برخوردار خواهد شد. در واقع؛ بین تربیت دینی و بصیرت دینی رابطه دوسویه برقرار است؛ یعنی تربیت دینی، افراد را با بصیرت می‌پروراند و بصیرت دینی، سبب تعمیق و گسترش تربیت دینی می‌شود.

مقام معظم رهبری بارها بر اجرایی شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تأکید و آن را لازمه تربیت دینی صحیح در جامعه قلمداد کرده‌اند که می‌تواند سبب افزایش بصیرت مردم شود. ایشان انجام این فریضه الهی را در چند محور به شرح ذیل تبیین فرموده‌اند:

الف) امر به معروف و نهی از منکر؛ ندای خرد انسانی: «هر چند فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی و توصیه به آن در قرآن و گفتار پیامبر خدا(ص) و امیر مؤمنان و دیگر امامان(ع)، دارای لحنی کم‌نظیر و تکان‌دهنده است، ولی اگر کسی از این همه چشم‌پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی‌شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد». (همان، ۱۳۷۹/۰۸/۲۳)

ب) امر به معروف و نهی از منکر در مسائل اجتماعی: «در مسائل فردی، تقوا خیلی زیاد مورد توصیه امیرالمؤمنین(ع) است؛ اما در زمینه مسائل اجتماعی شاید هیچ خطابی به مردم، شدیدتر، غلیظ‌تر، زنده‌تر و پرهیجان‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نیست». (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵)

ج) امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده: «در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی خانواده‌ها به خصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود؛ اینها را باید به آنها تذکر داد و از آنها خواست». (همان)

ه) امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسئولان: «امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگون دارد که مهم‌ترینش حوزه مسئولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف، امر و از منکر، نهی کنید. مردم باید از مسئولان، کار خوب بخواهند!». (همان)

د) امر به معروف و نهی از منکر نظارت عمومی: «امر به معروف فقط



این نیست که ما برای اسقاط تکلیف دو کلمه بگوییم؛ آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است.» (همان، ۱۳۷۳/۰۵/۷)

۴. بیداری اسلامی

دنیای اسلام با آن تاریخچه درخشان، سالهای متمادی با مشکلات اساسی و درونی روبه‌رو بوده است. طی سالهای طولانی، استعمار با بهره‌گیری از خوی استثماری، مسلمان را به بند کشید و تلاش بسیار کرد تا اسلام را نابود و مسلمین را بی‌هویت کند و در این راه نیز از شیوه‌های مختلفی چون: ایجاد تفرقه، حمایت از حکومت‌های دست‌نشانده، درگیری‌های قومی، مذهبی و گسترش موج اسلام‌هراسی بهره برده بود. در چنین روزگاری، امام خمینی(ره) با رهبری مردم مسلمان ایران به مبارزه با استعمار و استبداد داخلی برخاست و موجب پیروزی دوباره مسلمانان بر استعمارگران و حکام دست‌نشانده آنان شد. این پیروزی سرآغازی بود بر بیداری اسلامی در جهان اسلام که طی آن، مسلمانان بار دیگر توانستند هویت از دست رفته را بازستانند و با الهام‌گیری از قیام مردم ایران به تأسیس حکومت اسلامی مبادرت ورزند.

بیداری اسلامی را می‌توان ناشی از بصیرت و تمسک مسلمانان به قرآن و معنویت دانست که با هدف احیای ارزشهای اسلامی شکل گرفته و در جریان است. این پدیده، واقعیتی جدی و حقیقتی غیر قابل انکار است که موجب شده مسلمانان، خواهان تغییر شرایط زندگی و سرنوشت خود شوند.

اوج بیداری اسلامی را می‌توان در ماههای اخیر مشاهده کرد که در خلال آن، چندین حکومت دست‌نشانده سقوط کرده و انقلاب در بسیاری از کشورها هنوز ادامه دارد. بنابر این، می‌توان گفت که انقلاب ایران زمینه‌ساز جنبشهای اخیر در منطقه بوده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «به توفیق پروردگار



یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌هاست و طبق وعده الهی، این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید. ملت ایران سرافراز است، مفتخر است و خرسند است که آغازکننده این راه بوده است و ایستادگی و استقامت کرده است. نسل جوان امروز که روی کار آمدند، انقلاب را ندیدند؛ اما از انقلابیون آن روز اگر محکم‌تر نباشند، کمتر نیستند» (همان، ۱۳۹۰/۰۱/۱).

مقام عظمای ولایت، نگاه جدید مسلمانان به شریعت و رهایی از فلسفه‌های دست‌ساز بشری از سوی آنان را از جمله برکات انقلاب اسلامی قلمداد کرده، معتقدند مسلمانان می‌توانند با تکیه بر مبانی اسلام به پیشرفت دست یابند: «امروز امت اسلامی - در همه اقطار اسلامی - نگاه جدیدی به شریعت اسلام و آیین اسلام پیدا کرده‌اند؛ بعد از غفلت‌های طولانی، بعد از دور ماندن از زلال حقایق اسلامی در دورانه‌های متوالی و قرون متعدد، امروز بشریت چشم گشوده است؛ دنیای اسلام و امت اسلامی چشم گشوده است به احکام اسلام و معارف اسلام؛ چون فلسفه‌های دست‌ساز بشری ضعف و ناتوانی خود را در صحنه نشان داده‌اند. دنیای اسلام، امروز می‌تواند با تمسک به شریعت اسلامی و معارف اسلامی، پیشتاز بشریت به سوی تعالی و کمال باشد. دنیا امروز آماده تحرک امت اسلامی است. پیشرفتهای علمی بشر - در عمده‌ترین بخش آن، اخلاق و معنویت و روح دینی به زاویه و به حاشیه رانده شده است - و دانش بشری و نگاه نو انسان به حقایق طبیعی عالم، می‌تواند دستمایه‌ای برای حرکت امت اسلامی باشد. معارف اسلامی در اختیار دنیای اسلام است؛ سیره پیغمبر، کلام پیغمبر و از همه بالاتر، قرآن کریم در اختیار دنیای اسلام است و دنیای اسلام می‌تواند حرکت کند» (همان، ۱۳۸۶/۰۱/۱۷).

۵. رمز پیروزی در مقابل توطئه‌ها

توطئه و فتنه همواره از سوی دشمنان برای به انحراف کشاندن جامعه و خدشه‌دار کردن یقین مردم، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما بصیرت ملت می‌تواند فتنه‌ها را خاموش کرده، توطئه‌ها را ناکام بگذارد.

مقام معظم رهبری فتنه سال ۱۳۸۸ را توطئه دشمنان می‌دانند که هدف آن، گمراه کردن مردم و ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است. ایشان معتقدند مردم با بصیرت ایران در نهم دی، مشت محکمی بر دهان فتنه‌گران و



حامیان آنان زدند: «نهم دی در سرتاسر کشور مشتمل محکمی به دهان فتنه‌گران زد. این کار را خود مردم کردند. این حرکت ... یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه‌ی این است که این مردم بیدارند، هشیارند. دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال می‌کنند می‌توانند میان نظام و میان مردم جدایی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام خود مردم است، مال مردم است.» (همان، ۱۳۸۹/۱۰/۸)

رهبر معظم انقلاب، حضور حماسی مردم بصیر ایران در روزهای ۹ دی و ۲۲ بهمن را پایان فتنه‌ی هدفدار دشمنان تلقی کرده، آن را گشوده شدن فصل تازه‌ای برای ملت ایران قلمداد می‌کنند: «قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و ۲۲ بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد... در ۲۲ بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.» (همان، ۱۳۹۰/۰۱/۱)

۶. تشخیص حق از باطل

از جمله کارکردهای بصیرت دینی، توان تمایز میان صفوف حق و باطل است. زمانی که فضا غبارآلود و حق و باطل در هم تنیده شده است، بصیرت می‌تواند راه را بر آدمی بگشاید. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «باید حق را شناخت؛ باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص، حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت.» (همان، ۱۳۸۹/۰۸/۲)

ایشان درباره‌ی نقش بصیرت در تمایز میان حق و باطل می‌فرمایند: «بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمی‌تواند آنها (مردم) را گمراه کند؛ آنها (مردم) را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.» (همان، ۸۹/۰۵/۱۶)

ولّی امر مسلمین همواره بر افزایش بصیرت، تأکید و آن را لازمه‌ی شناخت سره از ناسره و دوست از دشمن قلمداد فرموده‌اند: «هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت



خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت» (همان، ۸۹/۰۶/۱۱)

۷. قاطعیت بر خورد با منحرفان و معاندان

برخورد با منحرفان از جمله اصول اساسی در کلام اسلام است. بر همین اساس، امام خمینی (ره) در همان اوایل انقلاب و در روزهایی که گروه‌های منحرف تلاش داشتند دانشگاه را به کنترل خود درآورند، فرمودند: «شما نشسته‌اید که چهار تا کمونیست بیایند در دانشگاه و قبضه کنند دانشگاه را؟! شما مگر کمتر از آنها هستید؟ ... حجت شما بالاتر از آنهاست. شما این مسائل را که بگویید، خیانت اینها را می‌توانید واضح بکنید در آن مکان، در دانشگاه ... که خودشان بگذارند بروند. بایستید، صحبت کنید... در هر صورت، عمده فعالیت خود شماهاست... اینها تودهنی می‌خواهند ... عدد شما زیادتر است؛ حجت شما بالاتر است؛ خیانت آنها واضح است. گفتن می‌خواهد. اجتماع بکنید، بگویید مطالب را» (سایت رجا نیوز به نقل از سخنان امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۳/۲۳)

مقام عظمای ولایت نیز بارها بر برخورد با منحرفان تأکید داشته‌اند. ایشان در پی بروز حوادث پس از انتخابات، فتنه‌گران را به پایان فتنه رهنمون کردند و در سخنانی فرمودند: «زور آزمایی خیابانی پس از انتخابات کار درستی نیست. من از همه می‌خواهم به این روش پایان دهند و اگر پایان ندهند، مسئولیت پیامدها، به عهده آنهاست. تصوّر نادرستی است که فکر کنند با فشارهای خیابانی، مسئولان را وادار کنند که زیر بار بروند. تن دادن به مطالبات غیر قانونی، آغاز دیکتاتوری است... اگر کسانی بخواهند ادامه دهند، آن وقت خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد. مشکل دشمنان ایران این است که ملت ایران را هنوز نشناخته‌اند. فکر کردند اینجا گرجستان است که انقلاب مخملی راه بیندازند» (همان، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹)

۸. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی از محوری‌ترین مباحث در کلام اسلام است؛ چرا که در طول تاریخ بسیاری از ملتها به واسطه غفلت از دشمنان، مغلوب شده و زیر سلطه استعمار و استعمار قرار گرفته‌اند. امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که در برابر دشمنش به خواب رود (از او غافل بماند) حیل‌های (غافلگیرانه دشمن) او را از خواب بیدار می‌کند» (نهج البلاغه) (غررالحکم ج ۵ ص ۳۴۴).



مقام عظمای ولایت در یک طبقه‌بندی، دشمنان ملت ایران را به دو گروه تقسیم و در تبیین هر کدام می‌فرمایند: «ما دو دشمن داریم؛ یک دشمن، دشمن درونی است [و] یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است ... دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم؛ تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود، اینها بیماری است... اینها دشمنان درونی است و اما دشمن بیرونی؛ دشمن بیرونی همان چیزی است که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند، روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است». (همان)

باید اذعان کرد دشمنان ملتها قابلیت آن را دارند که جامعه را به ورطه نابودی بکشانند. مقام عظمای ولایت، بصیرت را لازمه مبارزه با دشمنان دانسته، می‌فرمایند: «اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است». (همان، ۱۳۸۸/۰۵/۰۵)

ایشان ملت ایران را ملتی بصیر توصیف می‌کنند که در لحظه سرنوشت‌ساز به میدان عمل وارد شده و در مقابل دشمنان ایستادگی می‌کند: «مردم وقتی احساس می‌کنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال این جور دفاع می‌کند». (همان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹)

نتیجه‌گیری

طبق تعالیم و آموزه‌های اسلامی، رشد و به کمال رسیدن آدمی، در بصیرت و روشن‌بینی نهاده شده است. بصیرت دینی سبب می‌شود مسلمین در مسائل خود با تعقل و تدبّر روبه‌رو شده، با یقین و بینایی طی مسیر کنند. مقام معظم رهبری به عنوان فردی بصیر و اسلام‌شناس، کارکردها و آثار بصیرت را در مواردی چون: راه مقابله با جنگ نرم دشمن؛ شرط شناخت و دفع فتنه‌ها؛ اجرایی شدن امر به معروف و نهی از منکر؛ ابزاری برای شناخت حق از باطل؛ دشمن‌شناسی؛ قاطعیت در برخورد با منحرفان و معاندان؛ رمز پیروزی در مقابل توطئه‌ها و بیداری اسلامی برمی‌شمارند.

با تأمل در موارد ذکر شده، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بصیرت دینی از نگاه مقام معظم رهبری، الگو قرار دادن زندگی امیرالمؤمنین برای مسلمانان است: «زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همهٔ خصلت‌های نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده می‌کند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئلهٔ بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همهٔ ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشهٔ مردم و ایمان مردم به کار رفته است.» (همان، ۱۳۸۹/۰۴/۲۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. آملی، حیدر، جامع الاسرار، با مقدمه اسماعیل یحیی و هانری کرین، تهران، بی-تا، ۱۳۴۷
۴. امینی، غلامحسین (۱۳۶۶)؛ الغدیر، جلد دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵. بهشتی، محمدحسین (بی-تا)؛ بررسی علمی زیربنای ایدئولوژی اسلامی، تهران، هجرت.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ غررالحکم و دررالکلم، جلد دوم، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ غررالحکم و دررالکلم، جلد پنجم، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء و التراث العربی.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)؛ بیست گفتار، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)؛ مجموعه آثار، جلد بیست و پنجم، تهران، صدرا.
۱۱. معین، محمد (۱۳۷۴)؛ فرهنگ فارسی معین، جلد اول، تهران، امیرکبیر.
۱۲. سایت مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
۱۳. سایت تحلیلی خبری رجا نیوز: www.rajanews.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی